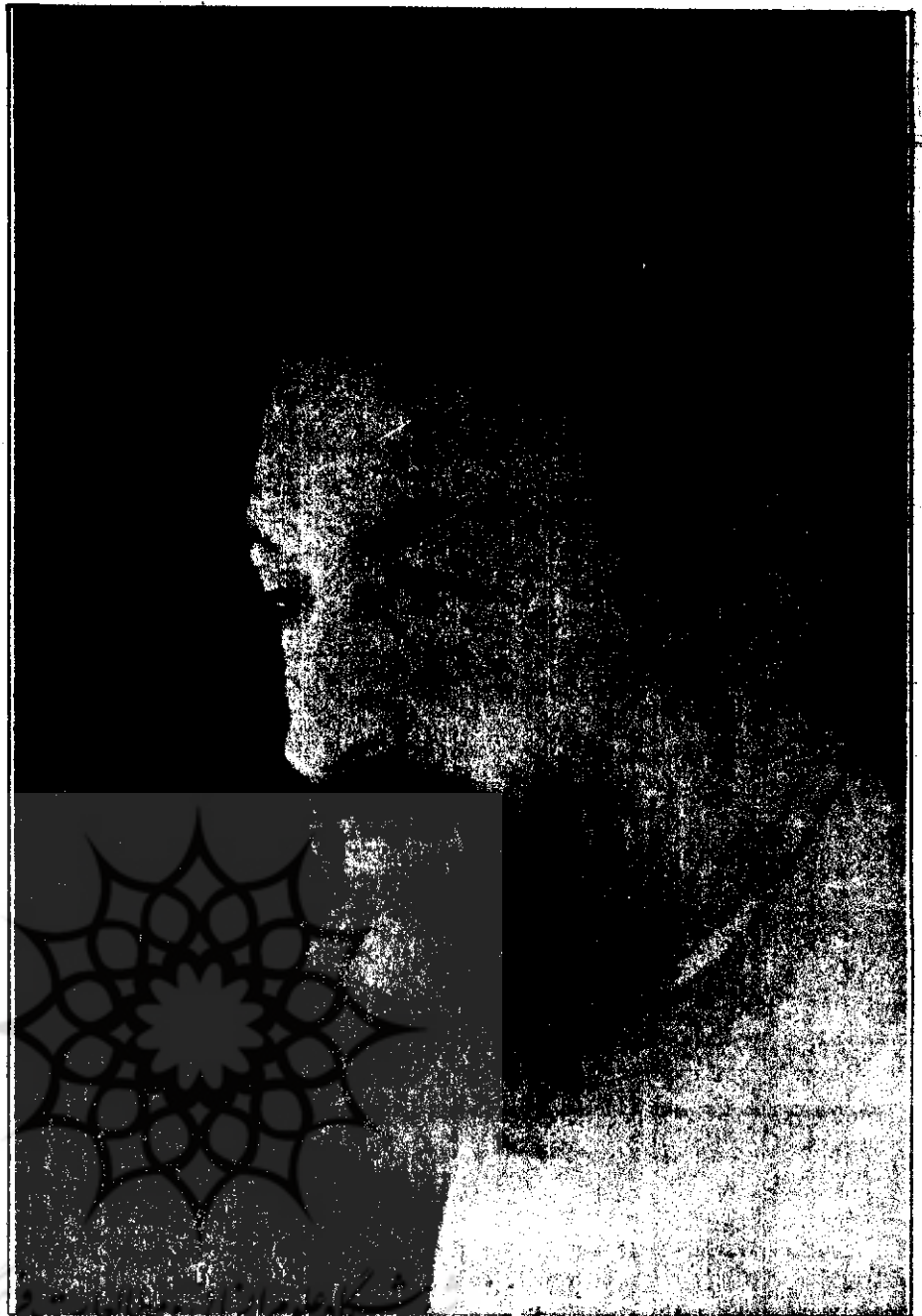


خلاصه و جمع بندی

مالکیت

علاوه بر آنچه عرض شده که سوددهی سرمایه تولیدی و سوددهی سرمایه مستغلاتی توجیه منطقی دارد و مزارعه و مساقات نوعی، همان سرمایه گذاری تولیدی است، اجاره، گاهی همان سرمایه گذاری تولیدی است و گاهی مستغلاتی است یعنی شبیه آنها، و مضاربه هیچکدام آنها نیست مضاربه ترکیب کار تولیدی و کار خدماتی است و اینها هیچ اشکال اقتصادی ندارد، علاوه بر این در نظامی که در آن بیمه و بازتستگی نباشد و حقوق ایام بیکاری نباشد، آیا خود اینها فرمولهای صحیحی برای چنین بیمه‌هایی نیستند؟ ما اصل را میگذاریم بر اینکه در جامعه مفت خور نداشته باشیم و هرکسی کار میکند و میخورد آدم اقتاده و کسی که کاری از او نمی آید را به حساب استثنائات میگذاریم پس اصل بر این است که هرکسی کار بکند و زندگی کند خوب آیا هرکسی که کار میکند و زندگی میکند تا آخر عمر میتواند کار کند یا بالاخره یک روزی از کار می افتد.

چه در نظام سرمایه داری و چه در نظام مارکسیستی و چه در نظام سوسیالیستی فعلی و چه در سوسیالیستی ایده آل (اشتراکی پیشرفته بدون دولت و با آن شعار که از هرکس کار به اندازه رغبت و به هر کس امکان بهره وری به اندازه دلخواه)، خوب بالاخره می رسیم به یک جایی که انسانهایی نمیتوانند کار کنند ولی باید بخورند. مثلاً در آن جامعه ایده آل سوسیالیستی، پیرمردها و پیرزنها را نابود میکنند؟ بالاخره زنده اند، میخورند و مصرف میکنند. آن پیرمرد و آن پیرزنی که در آن نظام نمیتواند کار کند اما مصرف میکند از کجا میخورد؟ از ارزشهای تولید شده بوسیله کسانی که امروز دارند تولید میکنند در دوره کودکی هم همینطور کودکان چکار میکنند؟ کودکان هم مصرف کننده های غیر مولد هستند پس انسانها بطور معمولی در دو سر زندگی شان مصرف کننده غیر مولدند. اول زندگی و آخر زندگی. این امر طبیعی است. هیچ وقت در جامعه نمی توان گفت که هرکس فقط از تولیدش و از کاری که میکند باید بهره ور شود اینطور نیست



مقدمه:
در شماره های قبل نظریات شهید مظلوم آیه آ...
عکس بهشتی در مورد گوشه هایی از اقتصاد اسلامی، از نظر خوانندگان عزیز گذشت، و این بخش از ایندولوزی اسلامی (اقتصاد) بخشی است که کمتر روی آن کار شده و ابهامات زیادی را چه در ذهن جوانان و چه در میان مسلمانان اسلام، وجه در مراحل تاریک کاری و اجراء ایجاد کرده است و شاید بتوان گفت یکی از سردی ترین و مهم ترین مسائل بهشتی ما روشن شدن دقیق خطوط اقتصادی در

مکتب جابجایی اسلام است، و برآستی که فرموده امام بهشتی یک است بود برای ملت ما، زیرا این دریای مواج و این اقیانوس ژرف، از نواختر روزگار بود که در بیشتر زمینه های اسلام (مخصوصاً مسائل مبتلابه جامعه انقلابی از قبیل اقتصاد، تشکل و تحزب، فلسفه، شناخت و...) کار کرده بود و عطش نشنه گان را فرو می نشاند، خضایش با سید الشهدای کربلا، حسین (ع) محشور فرماید و ما را قدرشناسی آثار وراثش قرار دهد. اکنون آخرین قسمت از دروسهای شهید بهشتی از نظر خوانندگان می گذرد.

* مسئله اموال عمومی

وانفال و حدود حيازت و بهره برداری از منابع طبیعی، عامل مهمی است که در همه این مسائل باید مورد توجه قرار گیرد.

احت:

رمایه و حل مسئله استثمار

که در یک مقطعی از زندگی اینطور است، و در یک مقطع دیگر کار نمیکند و بهره ور میشود. از کجا؟ میگویند باید یک بخشی از ارزش افزوده (ارزش مصرفی تولید شده‌ای را که در سنین کارایی تولید میکند) ذخیره کند برای این ایامی که مصرف میکند و تولید نمیکند. خوب این پس انداز یکی از این صورتهای را دارد، یا دولت پس انداز میکند یا فرد پس انداز میکند. بالاخره پس انداز است. آن کشاورزی که در سنین جوانی همه نیرویش را بکار برده، ده هکتار یا بیست هکتار زمین را برای زراعت آماده کرده و یک تراکتور خریده، یک مقدار بذر آماده کرده و کانال برای زمینش، حالا شصت سالش شده و نمیتواند دیگر کار کند، حالا اگر اینها را بدهد به یک کشاورز جوان دیگر و بگوید تو روی این کار بکن، یک مقدار به من بده و یک مقدار مال خودت، این چه فرقی دارد با اینکه دولت از دست او بگیرد و بدهد به یک کشاورز دیگر مگر دولت چکار میکند؟ اینجا میاید یک مقداری از ارزشهای تولیدی این کشاورز دوم را میگیرد و میدهد به کشاورز اول. فقط با یک تفاوت که در اینجا یک سیستم اداری هم این وسط اضافه میشود یعنی باید یک اداره درست کنیم که حساب و کتاب درست کند، از او بگیرد و به دیگری

بندی می‌کنیم (این جمع بندی نهائی این بحث ما است):

۱- مالکیت مبنای طبیعی دارد، مبنای فطری دارد.

۲- منشاء مالکیت کار است: کار تولیدی، کار خدماتی و از حیازتی.

تذکر درباره نقش کار حیازتی در مالکیت به آنچه تفصیل قبلاً گفته ایم توجه شود کار تولیدی - کار خدماتی و کار حیازتی تنها منشاء مالکیت ابتدائی است:)

۳- مالکیت دو گونه است: مالکیت ابتدائی - مالکیت انتقالی.

۴- مبادله و بخشش منشاء مالکیت - انتقالی اختیاری است. وارث منشاء مالکیت انتقالی غیر اختیاری است.

نتیجه: منشاء مالکیت ابتدائی کار است: (تولید - خدمات - حیازت). منشاء مالکیت انتقالی: داد و ستد و مبادله، بخشش و وراثت است. منشاءهای دیگری که برای مالکیت دیده میشود، از مشتقات یکی از این شش منشاء میباشد که نامبریم.

۵- مالکیت، شخصی - خصوصی - عمومی و دولتی است.

مالکیت گروهی نیز در این تقسیم میتواند از

۶- مالکیت خصوصی چه در شکل فردی، چه در شکل گروهی شرکت سهامی، چه در شکل گروهی تعاونی هیچ مانع موجه اقتصادی ندارد.

۷- سرمایه چیزی جز کار مجسم (کار انباشته) نیست.

۸- کار مجسم (کار انباشته) اگر بکار تولیدی زنده ضمیمه شود و منشاء بالا رفتن میزان تولید گردد، سرمایه تولیدی نامیده میشود. دادن بخشی از ارزش افزوده تولید شده از راه ترکیب سرمایه تولیدی و کار، به سرمایه تولیدی، بعنوان سودسرمایه از نظر اقتصادی کاملاً موجه است.

۹- سرمایه یعنی کار انباشته و تجسم یافته، می‌تواند بصورت مستقات یعنی چیزهایی که میتوان از آنها بهره‌مند شد بی آنکه عین آنها از بین برود درآید. مانند خانه، مغازه، ماشینی که کرایه

بدهیم و مانند اینها. بهره‌دهی و سوددهی این نوع سرمایه نیز از نظر اقتصادی کاملاً موجه است.

۱۰- سرمایه (کار تجسم یافته و انباشته) بصورت سرمایه بازرگانی که نه تولیدی است و نه مستقلانی، این نوع سرمایه کاملاً عقیم و ناز است. بهمین جهت، سوددهی این سرمایه تحت هر عنوان باشد از نظر اقتصادی غیرموجه است و مثل ربا است.

۱۱- کسانی که در بخش کالا بصورت بقال، پارچه فروش، لبنیاتی، میوه‌فروش، لوازم خانه فروش و امثال اینها کار میکنند باید قیمت فروششان کمی بیش از قیمت خریدشان باشد ولی این اضافه صرفاً باید در برابر کار روزانه آنها در این خرید و فروش قرار گیرد و همچنین در برابر هزینه‌های دیگر فروشگاه. بی آنکه سود دهی برای سرمایه در گردش آنها بماند کلر اینها در حقیقت یا همان کار مضاربه است یا شبیه آن.

۱۲- نیروی کاری که به صورت کار خدماتی در فاصله میان تولید تا مصرف، صرف میشود باید به حداقل برسد.

۱۳- مضاربه واقعی در حقیقت ضمیمه شدن

ورق بزنید

* نیروهای کاری که بصورت کار خدماتی در فاصله

میان تولید تا مصرف، صرف میشود باید به حداقل برسد.

مشتقات یکی از آن ۴ نوع تلقی شود مالکیت شخصی در اصطلاح به مالکیت فرد نسبت به یک شئی یا بخشی از یک شئی، اطلاق میشود بشرط آنکه آن شئی ابزار تولید نباشد. مالکیت خصوصی به مالکیت شخص بر یک ابزار تولید یا بخشی از یک ابزار تولید اطلاق میشود. مالکیت دولتی در حقیقت جلوه دیگری از مالکیت عمومی است و گرنه هر دو یک ریشه دارند.

بدهد. معلوم نیست که این دولت سالاری و این دیوان سالاری و این سرمایه داری دولتی، واقعا بتواند راه بهتری برای تقسیم صحیح ارزشهای مصرفی تولید شده میان همه مردم باشد. بدین معنا که بتواند با کار خدماتی کمتر، این تقسیم را انجام دهد. این قطعی نیست. اینها احتیاج به تجربه دارد. ما معتقدیم یک تجربه اقتصادی جدید در ایران براساس این معیارها ضرورت دارد. اینک یک جمع

کار تولیدی است به کار خدماتی (بخش کالا). و اگر آنچه بدست می آید میان طرفین مضاربه تقسیم شود هرگز به معنی سود دهی سرمایه بازرگانی عقیم نیست. بلکه به معنی تقسیم پول بدست آمده، بر کار تولیدی صاحب کالا و کار خدماتی فروشنده کالا است. برای بهتر فهمیدن مطلب به کاربیله و روان دوره گرد به کار همین روزنامه فروشان و نان فروشانی که در منزل می آیند توجه کنید.

۱۴- مزارعه و مساقات، ضمیمه شدن کار تولیدی یک نفر به کار تولیدی نفر دیگر است یعنی شرکت دونفر در یک تولید در دو مقطع که طبعاً باید نتیجه تولید میان آنها تقسیم شود.

۱۵- به این ترتیب اجاره و کرایه دادن، مزارعه مساقات و مضاربه که در فقه اسلامی آمده با معانی تحلیلی که در زمینه مالکیت گفتیم سازگار و از نظر منطقی فطری، موجه و قابل قبول است.

۱۶- هیچ یک از این معاملات بخودی خود استثمار نیست. استثمار ظلم و ستم و پیدایش درآمدهای کلان از راه استثمار صاحبان درآمدهای کم، علل دیگری دارد که باید هوشمندانه به آن توجه کرد و برایش چاره ای اندیشید.

۱۷- مجموعه علل و عوامل استثمار را دو عامل اساسی میتوان خلاصه کرد:

الف - ظالمانه بودن نرخها. (نرخ دستمزد، نرخ کالا، نرخ کرایه و اجاره، نرخ تقسیم بازده میان طرفین مساقات مضاربه، مزارعه و مانند اینها).

ب - مجبور شدن صاحبان نیروی کار به اینکه نیروی کار خود را به صاحبان سرمایه و ابزار کار بفروشند.

۱۸- علاج اساسی برای این کار این است که دولت و کل جامعه باید به هر کس که توان و نیرو و آملدگی کار تولیدی یا خدماتی دارد سرمایه و ابزار کار بدهد تا بصورت فردی، گروهی (شرکتهای سهامی یا تعاونی) و نظایر اینها بکار اندازد علاوه بر این در موارد لازم در تعیین نرخها دخالت کند.

۱۹- بهرحال در نظام اقتصادی باید به عوامل مهم زیر توجه کرد:

الف - آزادی کارکننده تا آنجا که ممکنست تامین شود تا آنجا که ساعات کار، کیفیت کار و نظایر اینها، اجباری و تحمیلی نباشد. انتخاب نوع کار، محل کار و نظایر اینها واقعا از روی انتخاب با محاسبه و آزادانه صورت گیرد.

ب - انگیزه انسانها بر تولید بیشتر روز افزون گردد روز بروز شدیدتر و قویتر شود و خود انگیختگی تولیدی روز بروز در جامعه بیشتر پدید آید (این مطلب به مطلب الف سخت مربوط است).

ج - دادن امکانات کار (کار اقتصادی) به افرادی که قبلاً از آن یاد کردیم یکی از راههای تضمین این دو اصل الف و ب است.

۲۰- بنابراین فراوانی امکانات تولید و

ارزشهای مصرفی تولید شده همراه با بالا رفتن میزان خود انگیختگی تولیدی و آزادی صاحبان نیروی کار بعنوان اصول کلی اقتصاد مورد نظر ما مطرح میشود.

۲۱- یک مسئله اصلی دیگر سیستم رساندن کالا از تولید به مصرف است که باید با حداقل استهلاک و حداقل نیروی انسانی (واسطه ها) صورت گیرد.

۲۲- تعهد جامعه و دولت و افراد نسبت به مصرف کنندگانی که توانایی تولید ندارند یا توانایی خود را بر تولید از دست داده اند، یا مصارف لازم مورد نیازشان را نمیتوانند به اندازه کافی تولید کنند تکمیل کننده اصول یاد شده است.

برای یک نظام اقتصادی هرچه بیشتر آزاد، هرچه بیشتر همراه با فراوانی و هرچه دورتر از تبعیض ها و فاصله هلو برآمدها.

۲۳- سیستم مالیاتها، بخصوص مالیاتهای مستقیم بر درآمدها، که نمونه هایی از آن در شکل خمس بر درآمد خالص در برخی موارد، خمس بر درآمد ناخالص در برخی موارد دیگر و زکات که عموماً بر درآمد ناخالص است، نمونه هایی از این مالیاتهای مستقیم است.

۲۴- از ترکیب این عوامل بصورتی دقیق و با برنامه های اجرایی تجربه شده میتوان یک نظام اقتصادی نوپدید آورد که نه اقتصاد سرمایه داری است، (که عملاً دست بهره کشیها را باز می گذارد و نه اقتصاد سوسیالیستی همه دولتی، که عملاً بسیاری از آزادیها را می گیرد یا خنثی و بی اثر می کند و دولت را بصورت یک کارفرمای بزرگ با قدرت در می آورد.

۲۵- مسئله اموال عمومی و انتقال و حدود حیزات و بهره برداری از منابع طبیعی و انتقال، عامل مهمی است که در همه این مسائل باید مورد توجه قرار گیرد.

۲۱۶- آیا زمین ملک احیاء کننده میشود یا نه؟ و به تعبیر دیگر آیا رابطه مالکیتی یا مالکیت گونه ای میان انسان و زمین که اجاره کرده تا کمی دوام دارد؟ تا وقتی که آثار احیاء در آن باقی است؟ یا تا وقتی که عملاً به بهره برداری از آن می پردازد و آن را معطل گذارد؟ یا از این بالاتر ولو آثار احیاء قبلی بکل از بین برود؟ اینهم یک مسئله دقیق و ظریفی است که باید در اقتصاد اسلامی بدان دقیقاً توجه شود و این اصل در مورد معاملات زمین، و در حدود و کیفیت آن نقش مهمی دارد و چون نقش زمین در اقتصاد نقش ویژه و برجسته ای است جدا گانه از آن یاد کردیم.

اینها خلاصه جمع بندی مسائلی است که تا بحال گفتیم، و با مسائلی که اگر مسئله مالکیت در اسلام را دنبال میکردیم میگفتیم

پایان

